

نمادشناسی منورا، چراغدان هفت شاخه یهود^۱

زینب بنی اسد

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فاطمه لاجوردی^۲

استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

شهرام پازوکی

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ایران

طاهره حاج ابراهیمی

دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

یکی از برجسته‌ترین نمادهای دین یهود، منورا یا چراغدان هفت شاخه‌ای است که خاستگاه اصلی آن به کتاب مقدس باز می‌گردد و به باور یهودیان، به فرمان خداوند به موسی و با طراحی خداوند، برای خیمه عهد ساخته شد. این چراغدان محبوب‌ترین نماد دینی یهود تا قرون وسطی بود. بخش زیادی از هنر یهود به این نماد اختصاص دارد و نقش آن در دیوارنگاره‌ها و موزاییک‌کاری‌های کنیسه‌ها، حکاکی بر روی ظروف، حجاری ستون‌ها، قبور مردگان، تابوت‌های سنگی، شیشه‌کاری‌ها و... دیده می‌شود. توجه به خاستگاه و ریشه این نماد ما را به حوزه گسترده‌ای از معانی، هم‌چون ریشه‌های مربوط به خود کتاب مقدس، و تأثیراتی که این دین از کهن‌ترین تمدن‌های باستان پذیرفته است، می‌رساند. در بیشتر ادیان و نیز در دین یهود حضور خداوند با نور یا آتش همراه است، که

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۸

۲. پست الکترونیک (نویسنده مسئول): flajevardi@yahoo.com

نماد آگاهی و معرفت است. به همین سبب یکی از معانی اصلی این نماد را حضور خداوندی و نور شناخت او می‌دانند. هم‌چنین آن را نمادی از درخت زندگی و درخت دانش، هفت سیاره، هفت آسمان، هفت روز آفرینش، هفت ملک مقرب... نیز دانسته‌اند. برخی نیز طرح آن را با ایزدبانوان باروری و درختان مقدس که نماد این ایزدان‌اند، مرتبط دانسته‌اند. نوشتار حاضر به بررسی مفاهیم نمادین منورا و ارتباط آن با زمینه‌های تاریخی و باورهای یهودی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها

منورا، چراغدان، نور، درخت‌زندگی، یهود، ایزدبانوان.

تاریخچه منورا^۱

زمانی که بنی‌اسرائیل مصر را ترک کردند و آماده شدند تا به شکل ملتی مستقل زندگی کنند، با مشکل بزرگ نداشتن واسطه‌ای برای ارتباط با خداوند روبه‌رو شدند. پس خیمه‌ی عهد را به عنوان پرستشگاه موقتی بر پا کردند. بنا بر روایت کتاب مقدس، خود خیمه و همه چیزهای درون آن همگی با دستور و راهنمایی خداوند به موسی ساخته شده بود، از جمله محراب، یعنی صندوق حاوی الواح عهد، بخوردان‌ها، میز نان، و منورا^۲. دستور ساخت منورا که در سفر خروج آمده بدین شرح است: «چراغدانی از زر ناب بساز؛ پایه و تنه چراغدان چکش خورده باشد؛ جام‌ها، گوی‌ها و گل‌هایش با آن یکپارچه باشد. شش شاخه از طرفین منشعب شود: سه شاخه چراغدان از یک طرف و سه شاخه چراغدان از طرف دیگر. شاخه نخست، سه جام به شکل گل بادام، با گوی و گل، بر خود داشته باشد؛ شش شاخه منشعب از چراغدان چنین باشد. خود چراغدان چهار جام به شکل گل بادام، با گوی و گل، بر خود داشته باشد؛ یک گوی زیر دو شاخه منشعب از چراغدان، یک گوی زیر دو شاخه بعدی و یک گوی زیر دو شاخه آخر- بنابراین در شش شاخه منشعب از چراغدان، گوی‌ها و شاخه‌ها با چراغدان یکپارچه باشد و کل آن‌ها از یک قطعه زر ناب چکش خورده ساخته شود. پس آنگاه هفت چراغ بساز. چراغ‌ها را آنگونه سوار

۱. Menorah

۲. Solis, Emily, *Hanukkah the Feast of Light*, USA, Varda Book, 2001, p.83.

کنند که جلوی آن را روشن سازد. گُل‌گیرها و خاکستردان‌های آن از زر ناب باشد. آن را با همهٔ اسباب‌هایش از یک قنطار زر ناب بساز. بنگر و طبق سرمشقی که در کوه بر تو نمایانده شده بساز».^۱

قرن‌ها بعد از زمان موسی، سلیمان معبد اورشلیم را برپا کرد و در داخل آن محراب زرین و ده چراغدان زرین با نقش‌های گل را که توسط حورام ساخته شده بود، روبه‌روی قدس‌الاقداص قرار داد.^۲ پنج عدد در سمت راست و پنج عدد در سمت چپ قرار داشتند. با توجه به متون یهودی این چراغدان‌ها با چراغدان خیمهٔ عهد تفاوت داشت.^۳ البته در منابع کهن به رسمی اشاره شده که بر اساس آن تقلید از منورای هفت شاخهٔ معبد ممنوع بود. هرچند که برای ساختن چراغدانی شبیه به آن با اندک تفاوتی در جزئیات یا تعداد شاخه‌ها منعی وجود نداشت. همین مجوز، صنعتگران را بر آن داشت تا چراغدان حنوکا را با توجه به طرح اصلی منورای معبد، با اعمال تغییرات جزئی بسازند.^۴

احتمالاً منوراهای معبد سلیمان قرن‌ها بعد در زمان حملهٔ بخت‌النصر و تخریب معبد اول (۵۸۶ ق.م) به بابل منتقل شدند.^۵ با بازگشت یهودیان از اسارت بابلی، بازسازی معبد توسط عزرا و نحمیا از سر گرفته شد. کوروش، پادشاه پارس و فاتح بابل، اشیاء مقدس معبد را به سرپرست یهودیان سپرد و آن‌ها را به اورشلیم بازگرداند (عزرا ۱:۷). هر چند که در متن روشن نیست که منورا هم شامل این لوازم می‌شود یا خیر.^۶ شواهدی نیز از کاربرد منورا در دورهٔ معبد دوم وجود دارد و در دورهٔ زمامداری حشمونیان نیز از آن نام برده شده است. در زمان حکمرانی یهودا مکابی (۱۶۵ م)، مکابیان، معبد را از بت‌ها پاکسازی کردند و ظروف مقدس جدیدی ساختند و چراغدان، بخوردان و میز را دوباره داخل معبد قرار دادند. بنا بر روایت‌های یهودی، در هنگام جنگ میان مکابیان و یونانیان، این چراغدان که تنها به اندازه یک روز روغن داشت، هشت روز تمام روشن بود و همین رویداد معجزه‌گونه

۱. خروج، ۳۱:۲۵-۳۰.

۲. اول پادشاهان، ۴۹:۷.

3. Fine, Steven, *The Menorah from the Bible to Modern Israel*, USA, Harvard University Press, 2016, p.37.

4. Solis, Emily, p.89.

5. Ibid, p.84.

6. Hachili, Rachel, *The Menorah the Ancient Seven-Armed Candelabrum Origin form and Significance*, leiden, Brill Press, 2001, p.22.

موجب آن شد که از آن پس هاله‌ای از شجاعت، دلیری و قدرت خداوندی منورا را در بر بگیرد و آیین روشن کردن منورا، بخشی از آیین‌های احیا شده در زمان بازسازی معبد باشد. این آیین نقطه آغاز جشن حنوکا به شمار می‌آید که هشت روز به طول می‌انجامد.^۱

در معبد هرودی‌ها^۲ منورایی وجود داشت که به باور یهودیان با الهام از منورای اصلی ساخته شده بود، منورایی که دستور ساختش را خداوند به موسی تعلیم داده بود و بر اساس نوشته‌های تلمودی ساخته شده بود و ارتفاعی در حدود ۷۵ اینچ داشت. شعله‌های منورا باید همیشه روشن می‌ماند و هر روز، هنگام غروب آن را با روغن پر می‌کردند. زیرا آن را نور ابدی الوهیم یا نور خدا می‌دانستند که هرگز نباید خاموش می‌شد.^۳

منورا از سال ۷۰ میلادی به بعد که رومی‌ها معبد را تخریب کردند ناپدید شد. در طاق نصرتی که امپراتور روم تیتوس^۴ برای بزرگداشت پیروزی بر یهودیان بر پا کرد، نقش برجسته‌ای از منورای بسیار بزرگی دیده می‌شود که اسرای یهودی آن را حمل می‌کنند.^۵

نقشنامه منورا در هنر یهود

یکی از جالب توجه‌ترین نکاتی که از جریان مداوم یافته‌های باستان‌شناسی در اسرائیل و جاهای دیگر پدیدار شد، این حقیقت بود که در طول دوره معبد دوم تا اواخر قرون وسطی محبوب‌ترین نماد دینی در بین یهودیان، منورا بوده است. در واقع این چراغدان و نقوش آن زینت‌دهنده همه مکان‌های عمومی و خصوصی جوامع یهودی بود؛ چراکه نقش آن بر روی دیوارها و کف‌های موزاییکی کنیسه‌ها، ستون‌ها و سرستون‌ها، سنگ قبرها، تابوت‌های سنگی، درگاه‌خانه‌ها، چراغ‌ها، سکه‌ها و پرده‌ها یافت شده است.

نقش‌های منورا را از مواد و مصالح گوناگون همچون سنگ، خاک رس، فلزی مانند

1. Ibid, p.23.

۲. فرقه‌ای از یهودیان یونانی

۳. Solis, Emily, p.85.

۴. *Titus Flavius Caesar Vespasianus Augustus*; 30 December 39 – 13 September 81 AD.

۵. Fine, Steven, p.22.

برنج، سفال‌های موزاییکی و دیوارنگاره‌های آبرنگی می‌ساختند. وجه مشترک بیشتر بقایای به جا مانده از کنیسه‌های قرن‌های ششم، هفتم و هشتم، که اخیراً در اسرائیل کشف شده، استفاده از نقش منورا برای آراستن موزاییک‌های کف بوده است.^۱

علاوه بر این نقش منورا بر روی شیشه‌های زرانودود و حتی بر روی اشیایی که در گورها در کنار مردگان قرار می‌دادند، نیز وجود داشت.^۲ چنان‌که پیشتر گفته شد منورا به عنوان یک نقش زینتی در ستون و سرستون‌ها و کتیبه‌های کنیسه‌های شهرهای کفرناحوم^۳، جلیله^۴ و حتی یونان به کار رفته است. در یک کشف جالب توجه در یک کنیسه باستانی، منورایی سنگی در دیوارنگاره‌های کنیسه باستانی متعلق به قرن ۲۵۴م که در سوریه کشف شد، شکل این منورا در بالای صندلی روحانی کنیسه نقاشی شده بود. در کنیسه‌های باستانی فلسطین مربوط به قرون پنجم و ششم، نقش چراغدان‌های یک قلو یا دوقلو، موزاییک‌ها و قاب‌ها را آراسته بودند.^۵ هم‌چنین از معبدی در پرینا^۶ در یونان، چندین چراغدان با پایه‌های حکاکی شده پیدا شده است.^۷

نقشمایه منورا بیشتر مواقع همراه با اشیاء آیینی دیگری مانند، چند شاخه خرما، انواعی از میوه‌ها، شیشه روغن، ظروف انقیه و طومار به تصویر کشیده می‌شد. این اشیا در کنار و پایین‌تر از نقش منورا قرار می‌گرفتند. معمولاً در هنر یهودیان دوران باستان منورا در دو سوی صندوق عهد و به شکل هماهنگ به تصویر کشیده می‌شد و تصاویری از حیوانات مانند شیر، عقاب، کبوتر آن را همراهی می‌کردند. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که این نمادهای گیاهی و جانوری از طبیعت فلسطین باستان الهام گرفته شده بودند. برجسته‌ترین این نمادهای گیاهی، انار، لیمو، انگورو شاخه‌ها و گل‌های در هم تنیده و پیچان آن‌ها

۱. Spero, Shubert, "The Menorah: A Study in Iconic Symbolism", *Tradition*, Rabbinical Council of America, vol.14, no 3, (Spring 1974), p.86.

۲. Solis, Emily, p.87.

۳. Capernaum

۴. Galilee

۵. Solis, Emily, p.86.

۶. Priena

۷. Ibid, p.87.

هستند. در بین پرندگان و جانوران نیز عقاب، غزال، کبوتر، شیر و قوچ با شاخ‌های بزرگ بسیار تصویر شده است. جنس منورا همیشه از طلا نبود. پس از تخریب معبد اول، مکابیان آن را با چوب بازسازی کردند و بعدها در زمان مناسب، نقره و سرانجام طلا جایگزین آن‌ها شد.^۱

نمادشناسی منورا

منورا سرشار از نمادها است. بعضی آن را نمادی از هفت روز آفرینش دانسته‌اند که نور مرکزی آن سبت است. برخی دیگر هفت شاخه آن را نمادی از هفت اقلیم و یا هفت آسمان می‌دانند. یوزفوس فلاویوس^۲ طرح منورا را نمادی از هفت سیاره دانسته است. چنان‌که زهرکتاب کهن طریقه عرفانی قبلا می‌گوید: «شش شاخه نور خود را از شاخه و شمعدان مرکزی دریافت می‌کنند، هم‌چون سیارات که نور خود را از خورشید می‌گیرند».^۳ منورا را نمادی از درخت زندگی، درخت دانش و آگاهی که در بهشت عدن بود و هم‌چنین درختی که نمادی از ایزد بانوی باروری بین‌النهرینی است نیز دانسته‌اند. هم‌چنین در منابعی آن را استعاره از زن خوب و پرهیزگار و یا خود تورات ذکر کرده‌اند.^۴ عده‌ای دیگر بر این باورند که منورا نشان از آتش مقدسی دارد که خداوند در هنگام سخن گفتن با موسی از طریق آن تجلی می‌کرد، هم‌چون بوتۀ سوزان صحرا یا شعله‌های سهمناک بر فراز کوه سینا. شاعری یهودی^۵ چنین سروده:

بدرخشید چراغ‌های ایثار و فداکاری، بدرخشید؛

پرتوهای مقدستان نشانه ایست، که هنوز پس از سال‌ها بدون خاموشی برافروخته

است؛

خاموش نمی‌شود بلکه با خون و اشک پرورانده می‌شود؛

۱. Ibid, p.88.

۲. Titus Flavius Josephus: تاریخ‌نگار یهودی-رومی (تولد ۳۷-وفات ۱۰۰م)

۳. Ibid, p.89.

۴. Fine, Steven, p.25.

۵. solomon solis-cohen

در قلب اسرائیلیان، روشن، استوار، درخشان؛

شعله‌هایی که از بلندای کوه سینا گرفته شده است.^۱

منورا نمادی از سیارات

فیلون اسکندرانی^۲ متفکر بزرگ یهودی که یک نسل پیش از یوزفوس زندگی می‌کرد، منورا را به‌ویژه شاخه اصلی و گویچه‌های آن را به طریق خاصی تفسیر کرد. او این طرح و اشکالش را با خط سیر سیارات به دور خورشید مرتبط می‌دانست، چنان‌که خورشید در مرکز و دیگر سیارات در دو سوی آن جای می‌گیرند. در گروه بالاتر و بیرونی تر زحل، مشتری و مریخ قرار دارند، و در گروه درونی عطارد، زهره و ماه هستند. فیلون از اولین نویسندگان شناخته شده‌ای است که در مورد گویچه‌های شاخه‌های منورا توضیح داد و آن‌ها را با نجوم مرتبط کرد. رویکرد پیوند داشتن منورا با سیارات، پیش از زمان او در شش قرن قبل از میلاد و در رویای زکریای نبی نیز وجود داشت.^۳

در رویای زکریا آمده: «فرشته‌ای که با من صحبت کرد گویی مرا همچون شخصی که از خواب بیدار شود، بیدار کرد. سپس از من پرسید چه می‌بینی؟ جواب دادم چراغدانی از طلا می‌بینم که هفت چراغ دارد و بر سر آن روغندانی است که به‌وسیله هفت لوله که به آن متصل است به چراغ‌ها روغن می‌رساند. هم‌چنین دو درخت زیتون می‌بینم یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپ چراغدان قرار دارد. از فرشته پرسیدم ای سرورم این‌ها چه هستند و چه معنایی دارند؟ گفت نمیدانی؟ گفتم نمی‌دانم. آنگاه به من گفت این هفت چراغ نشانه‌ای از چشمان خداوند هستند که همه جای دنیا را زیر نظر دارند. سپس پرسیدم آن دو درخت زیتون دو طرف چراغدان و آن دو شاخه زیتون کنار دو لوله طلا که از آن روغن می‌ریزد چه هستند؟ گفت نمی‌دانی؟ گفتم نمی‌دانم. آنگاه به من گفت آن‌ها نشانه دو مردی هستند که خداوند مالک تمامی جهان آن‌ها را برگزیده و مسح کرده تا او را خدمت کنند» (زکریا ۱۴، ۲: ۴).

۱. Solis, Emily, p.254.

۲. زاده ۲۰ ق م، سال مرگ ۵۰ م.

۳. Fine, Steven, p.22.

یوزفوس نیز هم چون فیلون، هفت شاخه چراغدان را نمادی از هفت سیاره می‌داند. او با توصیف شکل منورا، خیمه عهد و ذکر جزئیات آن، گویچه‌های بکاررفته در بدنه را نیز نمادی از سیارات می‌داند.^۱ بعضی بر این باورند که در منورا و در درخت سفیره‌های قبالی یهودی، نمادپردازی کیهانی نور الهی و نمادپردازی کیهانی درخت زندگی با هم پیوند می‌خورد. در قبالا نور الهی از طریق ده فلک یا سفیره، نشانه ده صادر خلاق درون وجود خداوند هستند و نور خداوندی از طریق آنان منکسر و منعکس می‌شود. این افلاک یا ده سفیره، درخت زندگی یا فلکی را تشکیل می‌دهند و در ساختار پنهان خداوند، انسان و کائنات را آشکار می‌سازند. در آیین سوف، هر سه جدایی‌ناپذیر، و به واقع یکی هستند. نور الهی که در سفیره‌ها (تجلیات الهی) متجلی می‌شود، همانند نور خورشید است که در افلاک آسمانی منعکس می‌شود. بنابراین هر یک از هفت سفیره پایین درخت با یکی از اجرام آسمانی ارتباط دارد. این نمادپردازی نجومی را می‌توان در منورا نیز جست‌وجو کرد که در نمودار سنتی قبالی با الفبای عبری برای ده سفیروت بر روی ساقه‌ها و شاخه‌های شمعدان مشخص می‌گردد.^۲

منورا نمادی از درخت زندگی

درخت و بوته‌های مشتعل همواره در تاریخ ادیان، اسطوره‌شناسی و داستان‌های عامه به چشم می‌خورند، زیرا وجود مقدس، اغلب خود را به شکل آتش و نور آشکار می‌سازد. مایعات حیات‌بخش که از ریشه‌های درخت بالا می‌روند به هنگام صعود، متمرکز و متحول می‌شوند و شیره درخت که در میوه و گل جاری است، به شکل روغن‌های گرانبهای زندگی درمی‌آید که می‌تواند بسوزد و نور ایجاد کند. در یهودیت، درخت زندگی اغلب به صورت درخت بادام شکوفه‌دار معرفی می‌شود و این درخت در خاور نزدیک، نوید بخش و پیام‌آور فصل بهار است و شکوفه‌های درخشان و سفید رنگ آن خیلی پیش از برگ‌هایش پدیدار

۱. Ibid, p.26.

۲. کوک، راجر، درخت زندگی، ترجمه سوسن تسلیم‌زاده، هلینامریم قائمی، تهران، جیحون، ۱۳۸۷ش، ص ۱۶۰.

می‌گردند.^۱ در سفر خروج که خداوند به موسی شیوه ساخت منورا را توضیح می‌دهد، به روشنی از بادام و شکوفه‌های آن سخن می‌گوید که بخش‌هایی از آن باید شبیه شکوفه‌های بادام باشد.

آتش، دو نقش متضاد در اساطیر دارد. آتش حیات و آتش مرگ. در بسیاری از قسمت‌های کتاب مقدس آتش و نور، رابطه‌ای مستقیم با تجلی الوهی دارد. چنان‌که شعله آذرخش بر رسولان فرود می‌آید و نعمت زبان را برای ایشان به ارمغان می‌آورد (متی، ۳:۶؛ یوحنا، ۳۸؛ اعمال رسولان، ۲:۳). یا نوع عهد عتیقی شعله که اخگری است که یکی از سراف‌ها^۲ بر دهان اشعیای نبی می‌گذارد و قدرت گفتار پیامبرانه به او می‌بخشد (اشعیاء، ۶:۷).^۳ انسان در حالت کنونی‌اش نمی‌تواند در آتش، زندگی کند، اما همان‌گونه که گفتیم، آتش حیات و آتش مرگ وجود دارد. آتش حیات می‌سوزد، ولی نمی‌سوزاند، روشنایی و گرما دارد، ولی عاری از درد و انهدام است. این آتش در بوتۀ سوزان گفته شده در سفر خروج (۳:۲) پدیدار می‌شود که به آتش مشتعل است، ولی سوخته نمی‌شود.

پرنده تصویری از روح القدس است و ققنوس پرنده‌ای آتشین است که داستانش را بعدها نمونه‌ای از رستاخیز تلقی می‌کنند. در کتاب مقدس، ذکری از ققنوس به میان نیامده است. اولین جایی که از ققنوس نام برده می‌شود، کتاب سوم باروخ، از جمله نوشته‌های اپوکریفایی یا قانونی ثانی است. شعری از انگلیسی قدیم که لاکتانیوس آن را نقل به معنی کرده است، با وصف زیبایی از بهشت زمینی یا عدن شروع می‌شود که وطن ققنوس است. احتمالاً درخت زندگی را در اصل، درخت نخل تلقی می‌کرده‌اند که در یونانی فونیکس (phoenix) نامیده می‌شود.^۴ با توجه به این امکان، درخت حیات، درختی است که در آتش زندگی سوزان است و علاوه بر فرمانمود آن در آتش موسی، در شمع‌دان هفت شاخه و

۱. همان، ص ۱۶۱.

۲. سرافیم نام گروهی از فرشتگان در یهود و مسیحیت است. معنی لغوی سرافیم به معنی سوزندگان است و معنی لغوی آن با مار یکی است. یک آیه در کتاب اشعیاء (۸-۶:۱) بیان می‌کند که سرافیم فرشتگانی ۶ بال هستند که عرش خداوند را طواف کرده و فریاد می‌زنند: مقدس! مقدس! مقدس! در تورات، سرافیم به طور مشخص فرشته نیستند و دیدگاه فرشته نسبت به آنان از متون بعدی ناشی شده است.

۳. فرای، نورتروپ، رمزکن: کتاب مقدس و ادبیات، ترجمه صالح حسینی، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۹ش، ص ۱۹۷.

۴. این را با املائی انگلیسی کلمه ققنوس phoenix مقایسه کنید.

چراغدان گفته شده در باب ۲۵ سفر خروج هم فرانمایی شده است.^۱ ضمناً درخت حیات یا زندگی را با هفت شاخه که هر شاخه هفت برگ داشت نشان می‌دادند و شاید این الگوی چراغدان یهودی بوده است.^۲ با توجه به برخی متون حاخامی، میوه درخت عدن (همان درختی که آدم و حوا از آن میوه خوردند) سیب نبود، بلکه دانش بود. بنابراین تورات می‌گوید آنچه انسان در عدن از دست داد، زندگی و دانش است. منورا در کتاب مقدس به شکل یک درخت توصیف می‌شود. بنابراین شاید یکی از چشم‌گیرترین نمادپردازی‌های منورا این باشد که میوه درخت زندگی، نور یا نماد جهانی دانش است و می‌دانیم که آگاهی به حضور خداوند با تجربه نور و آتش همراه است.^۳ البته شاید این موضوع، تأکیدی بر این باشد که منورا نمادی از خود تورات است، چراکه میوه آن دانش و آگاهی به نور خداوند است.

یافته‌های باستان‌شناسی از کنیسه‌ای در کفرناحوم تصویری از منورا را که با جزئیات دقیق حجاری شده نشان می‌دهد که بسیار شبیه نمونه‌های توصیف شده از منورهای اولیه است. یک تنه قوی و مرکزی که بر سه پایه باریک قرار دارد، مانند یک نیزه سه شاخه واژگون است، همراه با نقشمایه‌های گلدار، انار، حلقه‌های گل و کنگر که از شاخ و برگ‌ها سر برآورده‌اند.^۴ در واقع این یکی از قدیمی‌ترین منورهای درختی شکل است. اگر این منورا و دیگر عناصر همراهش، همچون انار، حلقه‌های گل، شاخه‌ها و برگ‌ها را نشانی از یک باغ بدانیم و مکان حجاری را که بر فراز یک ستون سنگی است در نظر بگیریم، می‌توان آن را نمادی از یک باغ آسمانی تصور کرد که درحقیقت تنها معنای آن بهشت عدن است. به این ترتیب تصویر درخت مانند منورا در بهشت عدن، اهمیت برجسته‌ای پیدا می‌کند، زیرا که در آنجا می‌تواند درخت زندگی یا حیات باشد.

سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که چگونه منورا به عنوان نماد درخت زندگی پنداشته می‌شود. در این باره چندین تفسیر وجود دارد. منورای معبد در هماهنگی با

۱. فرای، نورتروپ، ص ۱۹۸.

۲. شیمیل، آنه ماری، *راز اعداد*، ترجمه فاطمه توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۴۵.

۳. Spero, Shubert, p.90.

۴. Wirgin, W., "The Menorah as a Symbol of Judaism", *Israel Exploration Journal*, vol.12, no.2, 1962, p.140.

قانون الهی بود و منحصرأ باید با روغن زیتون روشن می‌شد. درخت زیتون در بسیاری از باورهای عامیانه درختی جاویدان است. در عالم واقع هم درختان زیتونی یافت می‌شود که می‌گویند هزاران سال عمر دارند. افزون بر این، با توجه به داستان نوح در کتاب مقدس از اولین گونه‌هایی که بعد از طوفان نوح سالم باقی ماند برگ زیتون بود. بنابراین درخت زیتون را درختی جاودانه می‌پنداشتند و منورا را به شکل درخت و طرح آن ترکیب کردند که نمادی یهودی از زندگی جاویدان پس از مرگ شد. این نماد که در سرستون سنگی قرار گرفته، تجسم باغ عدن است. زمانی که یهودیان، شیفته اندیشه‌های فرجام‌شناسی و جهان پس از مرگ شدند، این اعتقادات اهمیت دینی بسیاری پیدا کرد، زیر یهودیان اعتقاد داشتند که در بهشت عدن آسمانی سکنی می‌گزینند و از آرامش ابدی لذت می‌برند و شاید به همین دلیل این نمادها را در مکان‌های خاکسپاری، روی سنگ قبرها و تابوت به کار می‌بردند.

در کنار نقش منورای کفرناحوم، اشیای دیگری چون شوفار^۱، بخورسوز و بیلچه‌اش نیز حجاری شده است. این اشیا برای جشن‌های آیینی روش‌هشانا و یوم‌کیپور استفاده می‌شدند. صدای شوفار بخشی از مراسم عبادی سال نو یهودی بود. بخوردان نیز بسیار مهم بود، زیرا یکی از اشیاء اصلی مورد استفاده کاهن اعظم در آیین‌های یوم کیپور به شمار می‌رفت. باور بر این است که در طول این اعیاد، سرنوشت هر فرد در آسمان‌ها مقدر می‌شود. فرایند تقدیر با روش هشانا^۲ شروع و در یوم کیپور^۳ خاتمه می‌یابد و در ده روزی که

۱. نوعی ساز بادی است که به‌طور معمول در آیین‌های یهودی از دوران کهن تا به امروز استفاده می‌شود. این ساز را یهودیان در هنگام نبرد سرزمین کنعان در پشت دیوارهای شهر اریحا استفاده کردند. آن روز یوشع این ساز را نواخت. در سنت یهودی شوفار را در جشن‌های روش هشانا و یوم کیپور می‌نوازند تا نشان دهند که روزه به پایان رسیده و وقت افطار است. شوفار تنها سازی است که یهودیان از دوران باستان تاکنون حفظ کرده‌اند. این ساز با استفاده از شاخ یک حیوان حلال گوشت معمولاً قوچ ساخته می‌شود.

۲. عید شروع سال نو یهودی.

۳. معنی واژه به واژه آن از زبان عبری روز بخشایش گناهان است و به نام «روز آمرزش» نیز شناخته می‌شود؛ مهم‌ترین جشن مذهبی یهودیان و مقدس‌ترین روز در گاه‌شماری عبری است. در دهمین روز پس از روش هشانا (عید سال نو عبری) که دهمین روز ماه تیشری در گاه‌شماری عبری است، «یوم کیپور» دانسته می‌شود. نابریاور یهودیان، روز یوم کیپور، موسی از کوه سینا بازگشت.

نامیده می‌شود، فرد فرصتی برای توبه دارد تا بتواند بدین وسیله جایی در بهشت عدن برای خودش فراهم کند. این معنی پیامی است که نقش حجاری شده در سرستون با خود دارد: "تا زمان دارید توبه کنید تا بتوانید از آرامش ابدی باغ عدن یا باغ بهشت لذت ببرید."^۱ در موزاییک‌های به کار رفته در هنر مسیحی، درخت خرما نشانه‌ای از باغ عدن است که شبیه سرزمین مقدس آسمانی است. در ناحیه ماعون^۲، نقشمایه‌های حیوانات، پیچک‌ها و درخت زندگی را می‌بینیم، ترکیبی که بارها در خاورمیانه دیده شده اند. همچنین نقش شیرهایی که محافظان منورا هستند و چشمان تیزبین‌شان بر آن دوخته شده است.^۳

منورا نماد ایزدبانوی باروری

بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که نمادپردازی منورا ریشه در تصاویر درخت مقدس بین‌النهرینی دارد. اما اگر در خاستگاه ادراکی و یافته‌های باستان‌شناسی دقیق‌تر بررسی کنیم به احتمال زیاد به این نکته می‌رسیم که منورا در واقع نمادی آیینی از ایزدبانو عاشره^۴ است که ریشه در درخت زندگی دارد.^۵

در معبد فوس^۶ ناحیه‌ای در اسرائیل، کوزه آبی کشف شد که بر روی آن تصاویری از درختانی پرورشی و شکل یافته وجود داشت و تاریخ آن به قرن سیزدهم قبل از میلاد می‌رسید. باستان‌شناسان تصاویر درخت را مانند منورا می‌دانند که هردو بسیار شبیه درخت زندگی بین‌النهرین است. این کوزه و نقش‌های آن را باید حلقه گمشده تأثیر تصویرنگاری بین‌النهرین بر تصویرنگاری منورا دانست که هم یک چراغدان و هم درخت (احتمالاً درخت بادامی پرورشی) بود.^۷

۱. Wirgin, W., p.141.

۲. Ma'on ناحیه ای در ساحل غربی، در جنوب حبرون

۳. Ibid, p.142.

۴. Asherah

۵. Taylor, E.J., "The Asherah the Menorah and the Sacred Tree", *Jurnal of The Study of Old Testement*, 1995, p.29.

۶. Fosse

۷. Ibid.

روث هسترین^۱ یکی از پژوهشگران این حوزه، تصویر درخت روی کوزه را بسیار فراتر از درخت زندگی می‌داند. از دید او این نقش در حقیقت به احتمال بسیار پیوند ویژه - ای با ایزد بانوی کنعانی عاشره دارد. هم‌چنین می‌گوید در نقش‌های دیگر سفال‌های یافت شده در معبد فوس که به شکل معمول شامل کتاب مقدس همراه با بزکوهی یا پرندگان است، در یک قطعه، مثلث شرمگاهی^۲ با نقش قبلی جایگزین شده همراه با بز کوهی است. از دید هیسترتین، جایگزین درخت و مثلث شرمگاهی اثبات می‌کند که درخت، نمادی از الهه باروری است. برای بهتر فهمیدن این نکته باید به تصویر ایزد بانوی مصری هاتور^۳ که به شکل درخت انجیر تصویر شده اشاره کنیم. در دوران مصریان آیین هاتور به شکل گسترده‌ای در منطقه کنعان، فلسطین و اسرائیل نفوذ کرده بود و هاتور را به عنوان ایشتر یا عاشره می‌شناختند. دیگر نقش‌های کوزه مانند آهو، شیر، گوزن و بز کوهی ارتباط بسیار نزدیکی با این الهه دارند. علاوه بر این بسیاری پیکرک‌های گلین عاشره که در اسرائیل پیدا شده در واقع نمایشگر عاشره به عنوان یک درخت است. بدن این پیکرک‌ها بسیار شبیه به تنه درخت می‌باشد.^۴

درخت مقدس یا درخت زندگی هزاران سال است که در هنر خاور نزدیک ریشه دارد و در واقع با ایزدبانوان ویژه پیوند دارد. پرستش درخت و ارتباط ایزدان با درختان خاص یک پدیده دینی متداول بوده و تنها به خاور نزدیک منحصر نبوده است.^۵ در فلات ایران و در محوطه تاریخی شهاداد که مربوط به میانه هزاره سوم پیش از میلاد است، مهوری سنگی یافت شده که ایزدبانویی را نشسته در بین جانوران نشان می‌دهد، در حالی که شاخه - های گیاهی از بدن و شانه و سر او رسته و او را در میان گرفته است. این نقش، یادآور ارتباط همیشگی گیاهان در اندیشه ایرانی با نیروهای مادینه موکل بر باروری است.^۶

۱. Ruth Hestrin

۲. pubic triangle

۳. Hathor

۴. Ibid, p.30.

۵. Ibid, p.31.

۶. طاهری، صدرالدین، *نشانه‌شناسی کهن الگوها در ایران و سرزمین‌های همجوار*، تهران، شورآفرین،

۱۳۹۶ش، ص ۴۲.

شهرکهن لاختیش^۱ در اسرائیل امروزی که کوزه‌ها در آن کشف شده، در قرن سیزده قبل از میلاد یک شهر کنعانی بود. بنابراین نمادهای ترسیم شده بر روی سفال‌های باستانی را باید در نور پانتئون خدایان کنعانی و عقاید دینی مردم شهر در آن زمان بررسی کرد. در کنعان کتیبه‌هایی داریم که نشان می‌دهد کنعانیان برای این ایزدبانو پیشکش می‌بردند. نماد درختی عاشره را با هرس کردن و بریدن شاخه‌های اضافه چند گونه درختی، نخل، بلوط، بنه و گز درست می‌کردند. همان‌گونه که در نقش‌های روی کوزه و سفال‌های لاختیش دیدیم، درختان با شاخه‌هایی تصویر شدند که از دو طرف آن بیرون زده و بسیار شبیه منوره است.^۲ وجود گیاهان و درختان مقدس یک ویژگی مشترک ادیان رومی و هلنی بود. برای مثال بر طبق گفته ژروم قدیس در پایان قرن چهارم بعد از میلاد در بیت‌الحم برای پرستش آدونیس یا دیانا یک گیاه مقدس وجود داشت تا زمانی که بیت‌الحم به دست کنستانتین فتح شد.^۳

این گفته برخی پژوهشگران که نمادهای عاشره، تیرک‌های چوبی بودند نه درختان زنده چندان درست به نظر نمی‌رسد، چراکه آن‌ها نماد ایزدان باروری بودند، پس زنده بودنشان بخشی ضروری از کارکرد و معنایشان بود. علاوه بر این که منشاء زندگی را ایزدان باروری می‌دانستند. الهه مصری توت، بارها و بارها در حجاری‌ها و نقاشی‌ها به شکل یک درخت و یا همراه با یک درخت ترسیم شده است. در یک نقاشی از سلسله هجدهم، توت به شکل یک درخت خرما نشان داده می‌شود و با دستانش سینی غذا و کوزه‌ای که از آن شراب بیرون می‌ریزد را در دست دارد. هم‌چنان که قبلاً گفتیم هاتور ارتباط ویژه‌ای با درخت انجیر دارد. در یک نقاشی در مقبره توت‌مس سوم، پادشاه در حال شیر خوردن از درخت مقدس ایزدبانو است که در آن‌جا به نام ایزیس شناخته می‌شود. و در یک مقبره دیگر از سلسله نوزدهم (۱۳۴۵-۱۲۰۰ ق م) ایزدبانوی درختی به مرد و زنی غذا می‌دهد.^۴

۱. lachish

۲. Taylor, E.J., p.33.

۳. Ibid, 35.

۴. Ibid, p.42.

نمادشناسی اعداد در طرح منورا

هفت در بابل عدد سیارات است که عبارتند از: خورشید، ماه، تیر، بهرام، ناهید، برجیس و کیوان (ماه و خورشید سیاره واقعی نیستند). این هفت سیاره بخشی از هفت فلک هستند و این اندیشه در طول هزاران سال بر خیال انسان تأثیر داشته است.^۱ عهد عتیق سرشار از هفتگانه‌هاست: در نسل هفتم پس از آدم لمک^۲ وجود دارد که ۷۷۷ سال عمر می‌کند و انتقام او باید ۷۷ بار گرفته شود (پیدایش ۴: ۲۴). هفت پله معبد سلیمان، انتظار هفت روزه نوح برای فرستادن کبوتر از کشتی (پیدایش ۸: ۱۰)، هفت نهر فرات، تاوان‌ها و مجازات‌های هفتگانه و هفت برکت بخشی مراسم ازدواج از این دست اند. بنی‌اسرائیل هنگام کفاره قربانی خونی، خون را هفت بار می‌پاشیدند و چون بیشتر اعیاد بزرگ هفت روز طول می‌کشد، کشیدند، **هنگامی** که معبد سلیمان تأسیس شد، جشن قربانی ۷ روز برقرار بوده، عروسی‌ها هفت روز و عزاها هفت روز. هفت بار غسل در رود اردن (دوم پادشاهان ۵: ۱۴ و ۱۰: ۵) رویای فرعون ۷ گاو لاغر و هفت گاو فربه (پیدایش ۴: ۱، ۴۱: ۳).

در سنت قبالی ۲۲ شکوفه بادام چراغدان هفت شاخه، نماد ۲۲ حرف الفبای عبری است. این حروف را به سه حرف مادر (الف، میم، شین)، هفت حرف دو صدایی مربوط به افلاک و فلزات و سرانجام دوازده حرف تک صدایی مربوط به منطقه البروج تقسیم کرده‌اند. بدین ترتیب اعداد مقدس باستانی در نظامی واحد جمع می‌شوند. ده سفیرا به ۲۲ صورت اسرارآمیز به هم متصل‌اند. حتی برخی کوشیده‌اند که ۲۲ حرف الفبای عبری را با توجه به ترکیب ده سفیره و دوازده برج منطقه البروج توضیح دهند.^۴ هفت شاخه منورا را

۱. شیمل، آنه ماری، ص ۱۴۵.

۲. پسر متوشلخ و نسل پنجم از شیث است. او دو زن به نام‌های عاده به معنی سپیده و سلاه به معنی سایه و چهار فرزند پسر به نام‌های یوبال نوازنده بریط و نی، توبال، سازنده آلات مسی و آهنی، یابال خیمه‌نشین رمدار و نوح به معنای سرخوشی داشت. بر اساس کتاب پیدایش عهد عتیق هنگام تولد نوح، لمک به فرزندانش گفت که لعنتی که آدم بر این جهان آورده با این پسرم پایان می‌پذیرد. در برخی متون یهودی، به کشتن لمک اشاره رفته است اما در تورات به این موضوع اشاره‌ای نشده است.

۳. شیمل، آنه ماری، ص ۱۴۷.

۴. همان، ص ۲۵۵.

نمادی از هفت ملک مقرب نیز دانسته‌اند.^۱

منورا نمادی از زن نیکو

یکی دیگر از استعاره‌هایی که فیلون برای منورا ذکر کرده است، زن نیکو است. او ارتباط شاخه مرکزی چراغدان با شش شاخه دیگر آن را مانند زنی می‌داند که به واسطه تقوا و پرهیزگاریش، هم چون نور شاخه مرکزی چراغدان، درخشان‌تر از همه است. پیش از این یوشع بن سیرا کاهنی از نیمه اواخر قرن دوم ق.م که آثارش در عهد قدیم، اپوکریفای پروتستان یا اسفار مشکوک و در بخشی از طومارهای بحرالمت آمده است، نیز چنین گفته است: خورشید در آسمان خداوند می‌درخشد و زیبایی یک زن خوب خانه را می‌آراید. چهره‌ای زیبا در شخصیتی درستکار هم چون چراغی است که بر منورا می‌درخشد. شاید این استعاره، به منورا، به عنوان یک نام زنانه عبری اشاره دارد. اگر چه با کمال شگفتی بالای پیچان منورا و شکل بدنی معمول یک زن بالغ در پشت این استعاره نهفته است.^۲

نتیجه

منورا چه در شکل اصلی که ریشه در کتاب مقدس و فرمان الهی داشت و چه در اشکال تغییر یافته بعدی از گذشته‌های دور، همراه همیشگی یهودیان در تمامی نقاط جهان بوده است. در کنیسه‌ها می‌درخشید، در خانه‌ها می‌تابید، و یهودیان مومن در نور آن در جست‌وجوی هدایت و الوهیت بودند. این چراغدان هفت شاخه مومن یهودی را در جهان پس از مرگ با نمادی بر روی سنگ قبر و تابوتش همراهی می‌کرد. منورا نمادی از نور خداوندی و حقیقت بود که در همه‌جا می‌تابید و دل‌ها را به نور ایمان روشن می‌کرد. فروزه‌های درخشان آن در پشت دیوارهای گنجه‌های باستانی^۳ امید یهودیان را زنده نگه

۱. نوراآقایی، آرش، عدد نماد اسطوره، تهران، افکار، ۱۳۸۹ش، ص ۸۱

۲. Fine, Steven, p.25.

۳. در شهرها یا مناطق دیگر به محله‌ای که ساکنان آن غالباً از یک قوم یا از یک مذهب باشند گتو (ghetto) گفته می‌شد و امروزه در کل به مناطق فقیر شهری که بیشتر، مهاجران یا اقلیت‌ها در آن ساکنند گتو گفته می‌شود. گتو از نظر تاریخی در اروپا به محله‌هایی که اقلیت یهودی در آن ساکن بودند گفته می‌شد. در ایران

می‌داشت. در پرتو نورش بزرگسالان ترس‌هایشان را فراموش می‌کردند و به کودکانشان افسانه معجزات و دلاوری‌های قهرمانانی که در راه ایمان پدرانشان جان دادند را می‌آموختند. شعله‌های سوزان منورا و چراغ حنوکا نسل به نسل خاطرات ایمان یهود و گذشته حماسی آن‌ها را زنده نگه داشته است. منورا تا قرون وسطی نشانهٔ قوم یهود بود و از آن پس با نقشمایهٔ شش ضلعی قبالیی که عموماً معتقدند نشان‌دهندهٔ سپر داوود یا مهر سلیمان است جابه‌جا شد. البته در حال حاضر هم یکی از شناخته‌شده‌ترین نمادهای یهودیان و نشانه جهانی به شمار می‌رود.

منابع

- شیمل، آنه ماری، *راز اعداد*، ترجمهٔ فاطمه توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۳ش.
- طاهری، صدرالدین، *نشانه‌شناسی کهن الگوها در ایران و سرزمین‌های همجوار*، تهران، شورآفرین، ۱۳۹۶ش.
- عهد عتیق: کتاب‌های شریعت یا تورات، ترجمهٔ پیروز سیار، ج ۱، تهران، هرمس، ۱۳۹۴ش.
- فرای، نورتروپ، *رمزکل: کتاب مقدس و ادبیات*، ترجمه صالح حسینی، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۹ش.
- کوک، راجر، *درخت زندگی*، ترجمهٔ سوسن تسلیم‌زاده و هلینامریم قائمی، تهران، جیحون، ۱۳۸۷ش.
- نورآقایی، آرش، *عدد نماد اسطوره*، تهران، افکار، ۱۳۸۹ش.
- Fine, Steven, *The Menorah from The Bible to Modern Israel*, USA, Harvard University Press, 2016.
- Hachili, Rachel, *The Menorah the Ancient Seven-Armed Candelabrum Origin Form and Significance*, Leiden, Brill Press, 2001.
- Solis, Emily, *Hanukkah the Feast of Light*, USA, Varda Book, 2001.
- Spero, Shubert, "The Menorah: A Study in Iconic Symbolism", *Tradition*, Rabbinical Council of America, vol.14, no. 3, Spring 1974.

برای بیان این معنی گاه واژه «جهودمحل» بکار می‌رفته و امروزه در معنی امروزی‌اش بیشتر از آن به عنوان پدیده حاشیه‌نشینی یاد می‌شود.

-
- Taylor, E., "The Asherah, the Menorah and the Sacred Tree", *Jurnal of the Study of Old Testement*, 1995.
 - Wirgin, W., *The Menorah as a Symbol of Judaism*, Israel Exploration Jurnal, vol.12, no. 2, 1962.